

پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان در خانه، مدرسه و با همسالان

دکتر محمّد خیر*، دکتر شهلا البرزی*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان از دیدگاه خودشان در سه موقعیت خانه، مدرسه و با همسالان با توجه به زمینه خانوادگی آنان بود. نمونه مورد مطالعه ۷۲۶ دانش‌آموز (۳۹۹ دختر و ۳۲۷ پسر) در کلاسهای سوم تا پنجم ابتدایی و کلاسهای اول، دوم و سوم راهنمایی بودند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های خانوادگی و مقیاس درجه‌بندی رفتار براون و هامیل (۱۹۷۸) پاسخ دادند. پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با توجه به متغیرهای مستقل تحقیق برای پسران و دختران دو الگوی نسبتاً متفاوت را بدست داد. در گروه دختران در موقعیت خانه، تنها متغیر، اندازه خانواده بود که بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بود. در موقعیت مدرسه، در گروه دختران به ترتیب اندازه خانواده، تحصیلات پدر و مادر بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بودند. در موقعیت رفتار با همسالان هیچکدام از متغیرهای مستقل نتوانست میزان مشکلات رفتاری دختران را پیش‌بینی نماید. در گروه پسران، در موقعیت خانه به ترتیب اندازه خانواده و تحصیلات مادر بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بودند. در حالیکه در موقعیت مدرسه به ترتیب تحصیلات مادر و شغل پدر برای پسران بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بودند. در موقعیت رفتار با همسالان تنها متغیر

* دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

پیش‌بینی‌کننده میزان مشکلات رفتاری پسران، تحصیلات مادر بود. نتیجه جالب توجه در گروه پسران این بود که در هر سه موقعیت (خانه، مدرسه و همسالان) تحصیلات مادر نقش عمده‌ای را در پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری داشت.

کلید واژه‌ها: مشکلات رفتاری، زمینه‌های خانوادگی، جنس، مدرسه، رفتار با همسالان و درجه‌بندی رفتار



● مقدمه

رفتار همیشه تنها نتیجه شرایط و موقعیت زمان حال نیست، بلکه تحت تأثیر زمینه‌های خانوادگی^۱ و تاریخچه رشد فردی نیز می‌تواند قرار گیرد. بنابراین می‌توان گفت که هم شرایط موقعیتی که فرد در آن قرار می‌گیرد (نظیر زمینه‌های خانوادگی بطور عام) و هم تاریخچه رشد اولیه افراد (نظیر کیفیت تربیتی کودک و محیط خانواده) می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نسبتاً خوبی جهت میزان مشکلات رفتاری^۲ دانش‌آموزان باشد (جیمرسن و همکاران ۲۰۰۰).

زمینه‌های خانوادگی (نظیر تحصیلات و میزان درآمد والدین) آنها را با منابع بیشتر مالی روبرو می‌کند تا صرف کودکانشان نمایند. والدین تحصیل کرده دانش بیشتری دارند تا محیط‌های عاطفی، اجتماعی و شناختی حمایت‌کننده‌ای را برای کودکان خود فراهم نمایند. همچنین والدینی که از نظر درآمد مالی در سطح نسبتاً بالایی قرار دارند می‌توانند کیفیت محیط زندگی خود را افزایش داده و محیطی غنی جهت فرزندان خود ایجاد نمایند. در نتیجه والدینی که به کودکان خود توجه می‌کنند، رابطه نزدیکی با آنها دارند و انتظار دارند تا در زندگی موفق شوند و همه این عوامل باعث می‌شود تا احتمال بروز رفتارهای نامطلوب و ضداجتماعی را در فرزندان خود کاهش دهند (هاگان و مک‌کارتی، ۱۹۹۷، هاگان، مک‌میلان و ویتون، ۱۹۹۶؛ سامپسن و لانوب، ۱۹۹۳).

در تحقیقات پیشین در درجه اول شاخص میزان درآمد و سپس ترکیبی از درآمد، میزان تحصیلات و شغل والدین را بعنوان طبقه اجتماعی در نظر گرفته‌اند. در حالی که مک‌درموت (۱۹۹۵) میانگین تحصیلات والدین را به عنوان طبقه اجتماعی در نظر گرفته است. به عقیده او میزان تحصیلات والدین توانایی خوبی در نشان دادن تفاوت طبقه اجتماعی خصوصاً در توانایی شناختی و سازگاری عاطفی - اجتماعی کودکان دارد و همبستگی منفی و معنی‌داری بین میانگین

تحصیلات والدین و میزان مشکلات رفتاری فرزندان آنها وجود دارد. اما نتایج تحقیق ایمنون (۲۰۰۱) نشان داده است که تحصیلات پدر به تنهایی نقش بسیار ضعیفی را، در مقایسه با تحصیلات مادر، در پیش‌بینی مشکلات عاطفی و اجتماعی کودکان دارد. همچنین مادرانی که تحصیلات بالاتری دارند، احتمال بیشتری دارد که از لحاظ عاطفی با تجربه‌تر باشند و بطور مثبت‌تر با کودکان خود برخورد کنند و تنبیه فیزیکی کمتری را، نسبت به مادرانی که تحصیلات پائین‌تری دارند، بکار گیرند. اینگونه مادران میزان مشکلات رفتاری کمتری را در خصوص فرزندان خود گزارش می‌کنند (مک‌لود و شاناهان، ۱۹۹۳).

به علاوه در بعضی از جوامع نشان داده شده است که منزلت اجتماعی مشاغل، مخصوصاً شغل پدر، می‌تواند شاخص جانشینی خوبی برای طبقه اجتماعی باشد (خیر ۱۳۷۶). از جمله در تحقیق اشتراوس (۱۹۹۱) نشان داده شد که از بین متغیرهای مربوط به خانواده، شغل پدر، تأثیر معنی‌داری بر مشکلات رفتاری کودکان دارد، بطوریکه فرزندان که مشاغل پدرانیشان از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار است مشکلات رفتاری کمتری را گزارش می‌کنند.

در ارتباط با شاغل بودن مادر در خارج از خانه و تأثیر آن بر مشکلات رفتاری کودکان، نتایج متفاوتی بدست آمده است. از جمله سامپسن (۱۹۸۷) بیان می‌کند که کارکرد مادر در خارج از خانه بر روی تعاملات والدین - کودک تأثیر می‌گذارد و مشکلات رفتاری را افزایش می‌دهد. در حالیکه تحقیق دیگری نشان داده است که در صورتیکه میزان کار مادر در خارج از خانه در حد معقولی باشد، تفاوتی بین میزان مشکلات رفتاری کودکان مادران خانه‌دار و شاغل مشاهده نمی‌شود (ماتسودا و اوهاینر، ۱۹۸۷). تحقیقات دیگر نشان داده است که شاغل بودن مادر در خارج از خانه بر روی میزان تعاملات عاطفی و اجتماعی والدین - کودک اثر منفی دارد (وو و مارتینسن ۱۹۹۳؛ پارسل و مناگهام، ۱۹۸۸).

اندازه خانواده و ترتیب تولد، از جمله متغیرهایی هستند که بین آنها همبستگی بالایی وجود دارد. از طرف دیگر، اندازه خانواده به نحوی طبقه اجتماعی خانواده را منعکس می‌سازد. بطوریکه معمولاً همبستگی منفی و معنی‌داری بین اندازه خانواده و طبقه اجتماعی وجود دارد (خیر ۱۳۶۵). در یک پژوهش رابطه بین ترتیب تولد و مراجعه به مراکز مشاوره مورد مطالعه قرار گرفت. در این مطالعه آزمودنی‌هایی که با مشکلات رفتاری و تحصیلی مراجعه می‌نمودند و

سنین آنها بین ۵ تا ۱۸ سال بود به دو گروه تقسیم گردیدند. یک گروه آنهایی که نیاز به مشاوره جدی داشتند و گروه دیگر آنهایی که نیاز به مشاوره جدی نداشتند. ترتیب تولد و اندازه خانواده در دو گروه، مورد مقایسه قرار گرفت. دو گروه بر روی اندازه خانواده (مجموع تعداد برادران و خواهران) تفاوت معنی‌داری نداشتند، ولی فرزندان اول خانواده‌ها، نسبت به سایر فرزندان، بیشتر به مراکز مشاوره ارجاع داده شده و بیشتر نیاز به مشاوره جدی داشتند و علت ارجاع آنان مشکلات رفتاری و تحصیلی بود (کارمیشل، ۱۹۹۳).

به علاوه، بسیاری از محققین معتقدند که فراوانی نارسای‌های رفتاری وابسته به جنس^۳ می‌باشد (یسلدایک و الگوزین، ۱۹۹۰؛ کافمن، ۱۹۹۳). یسلدایک و الگوزین (۱۹۹۰) بیان می‌کنند که ۸۰ درصد دانش‌آموزانی که برای ارزیابی‌های روانی و آموزشی ارجاع داده می‌شوند، پسر هستند. همچنین مشخص شده است که پسران بیشتر مشکلات رفتاری خود را به صورت رفتارهای برونی نظیر رفتارهای پرخاشگرانه، عدم اطاعت و عدم رفتارهای جامعه‌پسند ظاهر می‌سازند (هالن بک و کافمن، ۱۹۹۵). به علاوه در پژوهش دیگری که در ایران صورت گرفته نشان داده شده است که ارزشیابی رفتار دانش‌آموزان پسر از خود، نشان‌دهنده مشکلات رفتاری بیشتر و معنی‌دار، نسبت به ارزشیابی رفتار دانش‌آموزان دختر از خود، است (البرزی و خیر، ۱۳۷۹). در همین رابطه لینگزین و ماتسودا (۱۹۹۷) بیان می‌کنند که جنس عامل پیش‌بینی‌کننده مهمی برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری است، بطوریکه پسرها مشکلات رفتاری بیشتری، نسبت به دختران، از خود نشان می‌دهند.

تحقیقاتی که بر روی جدایی از پدر یا مادر که به علت طلاق صورت گرفته و رابطه آن با مشکلات رفتاری فرزندان نتایج متفاوتی بدست داده است. غالب تحقیقات بیان داشته‌اند که طلاق تأثیرات منفی متعددی، خصوصاً اگر در سنین اولیه کودک اتفاق بیفتد، بر جنبه‌های مختلف رشد عاطفی، اجتماعی و شناختی کودک می‌گذارد (هترینگتن و ککس، ۱۹۷۸؛ والراشتاین و کلی، ۱۹۸۰). از جهت دیگر، بعضی از تحقیقات در این مورد تأثیر طلاق را با توجه به جنس فرزندان مورد بررسی قرار داده‌اند که نتایج آنها همسو نبوده است. از جمله بانک (۱۹۹۳) گروهی از مادران تازه طلاق گرفته که دارای فرزندان دوره ابتدایی بودند را مورد بررسی قرار داد. نتیجه نشان داد که پسران آنها، نسبت به دختران، بیشتر در معرض مشکلات رفتاری و رفتارهای ضداجتماعی بودند. در حالیکه نتیجه بررسی کانی و کورتس (۱۹۹۶) برعکس نشان داد که فقط

برای فرزندان دختر، طلاق پدر و مادر با بهداشت روانی پائین و مشکلات رفتاری همراه است. به‌رحال، جدایی از پدر و یا مادر بر روی تعاملات والدین-کودک می‌تواند تأثیرگذار باشد و در نتیجه احتمال بروز مشکلات رفتاری را افزایش دهد (پارسل و مناگهام، ۱۹۹۴). هدف از این مطالعه پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان از دیدگاه خودشان در سه موقعیت خانه، مدرسه و رفتار با همسالان^۴ با توجه به زمینه‌های خانوادگی آنان یعنی «شغل» و «تحصیلات والدین»، «اندازه‌خانواده» و «جدایی از پدر و مادر» است.

● روش پژوهش

○ برای نمونه‌گیری پژوهش حاضر با توجه به نظر کارشناس آموزش و پرورش، ناحیه ۳ آموزش و پرورش شهر شیراز که گزارشهای بیشتری را درخصوص مشکلات رفتاری نسبت به سایر نواحی چهارگانه شهر شیراز داشت، انتخاب و تعداد ۶ مدرسه ابتدائی (پایه‌های سوم، چهارم و پنجم) و ۴ مدرسه راهنمائی (پایه‌های اول، دوم و سوم) انتخاب گردید. نیمی از مدارس ذکر شده در هر مقطع پسرانه و نیمی دیگر دخترانه بودند و ۷۲۶ دانش‌آموز این پایه‌ها به عنوان آزمودنی‌های تحقیق (۳۹۹ دختر و ۳۲۷ پسر) مورد بررسی قرار گرفتند.

○ ابزار پژوهش شامل دو بخش بود. بخش اول پرسشنامه مربوط به زمینه‌های خانوادگی که در این پرسشنامه اطلاعات مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش و سایر متغیرهای مستقل تحقیق، مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. این متغیرها عبارت بودند از: تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر، شاغل بودن مادر، اندازه‌خانواده و سابقه طلاق در خانواده. اطلاعات در این زمینه از خود دانش‌آموز، پرونده دانش‌آموز و پرسش از مسئولین مدرسه بدست آمد.

بخش دوم، استفاده از مقیاس درجه‌بندی رفتار^۵ (براون و هامیل، ۱۹۷۸) بوسیله خود دانش‌آموز بود. این مقیاس دارای ۶۰ گویه است که رفتار دانش‌آموز را در سه موقعیت خانه، مدرسه و رفتار با همسالان اندازه‌گیری می‌کند و در مقابل هرگویه دانش‌آموز باید پاسخ صحیح و یا غلط را مشخص نماید. به عبارت دیگر، دانش‌آموز گویه‌هایی که در مورد رفتارش صدق می‌کند را به صورت پاسخ صحیح و در غیر اینصورت پاسخ غلط، علامت می‌زند. در این مقیاس تعداد گویه‌های مربوط به رفتار در خانه، رفتار در مدرسه و رفتار با همسالان، هرکدام ۲۰ گویه می‌باشد. نمره خام هرکدام از زیر مقیاسهای فوق تعداد پاسخ‌های غلطی است که در خانه مربوط به

خود علامت زده شده است. بنابراین حداقل نمره در هریک از زیر مقیاسهای فوق‌صفر و حداکثر بیست می‌باشد. و هرچه نمره بالاتر باشد رفتار مورد ارزشیابی مطلوب‌تر، یا به عبارت دیگر میزان مشکلات رفتاری، کمتر است.

اعتبار^۶ مقیاس باروش بازآمائی، با فاصله زمانی ۲ ماه، در مطالعه‌ای در شهر شیراز جهت زیر مقیاسهای رفتار در خانه، مدرسه و با همسالان در گروهی ۸۴ نفره به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۶۵ و ۰/۵۹ گزارش شده است که همگی در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار بوده‌اند (خیر و البرزی، ۱۳۸۰). همچنین، اعتبار مقیاس باروش آلفای کروناخ در مطالعه فوق‌الذکر جهت زیر مقیاسهای رفتار در خانه، مدرسه و با همسالان در گروهی ۲۲۰ نفره به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۲ گزارش شده است که همگی در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار بوده است (خیر، البرزی، ۱۳۸۰).

در مطالعه قبلی، روائی^۷ مقیاس با استفاده از ضریب همسانی درونی بدست آمد. برای این منظور همبستگی هر سؤال با نمره کل مقیاس محاسبه شد. ضرائب بدست آمده بین حداقل ۰/۲۹ تا حداکثر ۰/۵۵ متغیر بودند که همگی آنها حداقل در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بودند (خیر، البرزی، ۱۳۸۰). همچنین جهت روائی مقیاس دو گروه دانش‌آموز که یک گروه آنها دانش‌آموزان عادی و گروه دیگر دانش‌آموزان با تشخیص اختلالات رفتاری بودند بر روی مقیاس درجه‌بندی رفتار بوسیله خودشان مورد مقایسه قرار گرفتند. دو گروه از نقطه نظر جنس، پایه تحصیلی و طبقه اجتماعی هم‌تاسازی شدند. میانگین‌های درجه‌بندی رفتار زیر مقیاسهای خانه، مدرسه و با همسالان در دو گروه بوسیله آزمون t وابسته مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج آزمون t در زیر مقیاسهای خانه، مدرسه و با همسالان به ترتیب ۲/۱، ۲/۳۵ و ۳ بدست آمده که در سطوح ۰/۰۴، ۰/۰۲ و ۰/۰۴ معنی‌دار بودند. به عبارت دیگر دانش‌آموزان عادی رفتار خود را مطلوب‌تر از دانش‌آموزان با تشخیص اختلال رفتاری ارزیابی نموده بودند که حاکی از روائی مقیاس است. به علاوه، در پژوهشی، روائی مقیاس از طریق همبستگی فرمهای درجه‌بندی رفتار با یکدیگر (دانش‌آموز، والدین و معلم) کسب گردید که فرمها با یکدیگر رابطه معنی‌داری را نشان دادند (البرزی، خیر، ۱۳۷۹).

□ سئوالات پژوهش حاضر که از نوع توصیفی با هدف تحلیل اطلاعات می‌باشد، با روش آماری تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های بدست آمده با کمک بسته نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی (SPSS) بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

● یافته‌ها

○ نتایج بررسی متغیرهای شغل پدر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، اندازه خانواده وجدائی از پدر یا مادر بر میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر «در موقعیت خانه» از نظر خودشان و با استفاده از روش تحلیل رگرسیون مرحله‌ای (جدول ۱) نشان می‌دهد که تنها اندازه خانواده بهترین پیش‌بینی کننده میزان مشکلات رفتاری در موقعیت خانه برای دختران (با ضریب استاندارد $0/12$ و $p < 0/01$) است و این متغیر تنها یک درصد واریانس مشکلات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۱- ضرائب رگرسیون مرحله‌ای پیش‌بینی کننده‌های مستقل میزان مشکلات رفتاری بوسیله دانش‌آموزان دختر در موقعیت خانه ($n = 392$)

مرحله اول		t	پیش‌بینی کننده‌ها
p	ضریب استاندارد		
0/01	-0/12	2/41	اندازه خانواده
	5/83		F
	0/01		P
	0/12		R
	0/01		R ²

○ نتایج بررسی متغیرهای شغل پدر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، اندازه خانواده وجدائی از پدر یا مادر، بر میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان پسر «در موقعیت خانه» از نظر خودشان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرائب رگرسیون مرحله‌ای پیش‌بینی کننده‌های مستقل میزان مشکلات رفتاری بوسیله دانش‌آموزان پسر در موقعیت خانه ($n = 313$)

مرحله اول			مرحله دوم			پیش‌بینی کننده‌ها
t	ضریب استاندارد	p	t	ضریب استاندارد	p	
3/56	-0/19	0/0004	-3/10	-0/17	0/002	اندازه خانواده
			2/52	0/14	0/01	تحصیلات مادر
	12/72			9/65		F
	0/0004			0/0001		P
	0/20			0/24		R
	0/04			0/06		R ²

همانگونه که مشاهده می‌گردد، نتیجه تحلیل رگرسیون مرحله‌ای نشان می‌دهد که در مرحله اول اندازه خانواده و در مرحله دوم تحصیلات مادر (با ضرائب استاندارد ۰/۱۷- و ۰/۱۴- بهترین پیش‌بینی کننده‌های مشکلات رفتاری دانش‌آموزان پسر در موقعیت خانه می‌باشد. بطوریکه مجموعاً ۶ درصد از واریانس میزان مشکلات رفتاری بوسیله این متغیر تبیین می‌گردد.

○ نتایج بررسی متغیرهای شغل پدر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، اندازه خانواده و جدائی از پدر یا مادر بر میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر در «موقعیت مدرسه» از نظر خودشان در جدول ۳ ارائه شده است. همانگونه که در این جدول مشاهده می‌شود، اندازه خانواده و تحصیلات پدر، به یک نسبت و سپس تحصیلات مادر (به ترتیب با ضرائب استاندارد ۰/۱۲-، ۰/۱۲ و ۰/۱۱) بهتر توانسته‌اند میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر (در موقعیت مدرسه) را پیش‌بینی نمایند. مجموع سه متغیر فوق ۴ درصد از واریانس میزان مشکلات رفتاری را تبیین می‌نماید.

جدول ۳- ضرائب رگرسیون مرحله‌ای پیش‌بینی کننده‌های مستقل درجه‌بندی رفتار بوسیله دانش‌آموزان دختر در موقعیت مدرسه (n = ۳۹۲)

پیش‌بینی کننده‌ها	مرحله اول		مرحله دوم		مرحله سوم	
	t	p	t	p	t	p
اندازه خانواده	۲/۲۴	۰/۱۱	-۲/۶۹	۰/۰۷	-۲/۳۹	۰/۱۲
تحصیلات پدر			۲/۱۸	۰/۱۱	۲/۴۴	۰/۱۲
تحصیلات مادر					۲/۱۷	۰/۱۱
F	۵/۰۲		۴/۹۱		۴/۸۸	
P	۰/۰۲		۰/۰۷		۰/۰۲	
R	۰/۱۱		۰/۱۵		۰/۱۹	
R ^۲	۰/۰۱		۰/۰۲		۰/۰۴	

○ نتایج بررسی متغیرهای شغل پدر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، اندازه خانواده و جدائی از پدر یا مادر بر میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان پسر در «موقعیت مدرسه» از نظر خودشان در جدول ۴ ارائه شده است. همانگونه که در این جدول ملاحظه می‌گردد، نتیجه تحلیل رگرسیون مرحله‌ای نشان می‌دهد که به ترتیب در مرحله اول تحصیلات مادر و سپس شغل پدر (به ترتیب با ضرائب استاندارد ۰/۱۴ و ۰/۱۲) بهترین پیش‌بینی کننده‌های میزان مشکلات رفتاری

دانش‌آموزان پسر «در موقعیت مدرسه» است. مجموعاً دو متغیر فوق ۴ درصد از واریانس میزان مشکلات رفتاری را تبیین می‌کند.

جدول ۴- ضرائب رگرسیون مرحله‌ای پیش‌بینی‌کننده‌های مستقل میزان مشکلات رفتاری بوسیله دانش‌آموزان پسر در موقعیت مدرسه (n = ۳۱۳)

مرحله دوم			مرحله اول			پیش‌بینی‌کننده‌ها
p	ضریب استاندارد	t	p	ضریب استاندارد	t	
۰/۰۱	۰/۱۴	۲/۵۴	۰/۰۱	۰/۱۴	۲/۵۷	تحصیلات مادر
۰/۰۲	۰/۱۲	۲/۲۸				شغل پدر
	۵/۹۸			۶/۶۴		F
	۰/۰۰۲			۰/۰۱		P
	۰/۱۹			۰/۱۴		R
	۰/۰۴			۰/۰۲		R ^۲

○ نتایج بررسی متغیرهای شغل پدر، تحصیلات مادر، اندازه خانواده و جدائی از پدر یا مادر بر میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دختر «در موقعیت رفتار با همسالان» از نظر خودشان بیانگر آن است که هیچکدام از متغیرهای مستقل تحقیق نمی‌تواند میزان مشکلات رفتاری را بطور معنی‌داری پیش‌بینی نماید.

جدول ۵- ضرائب رگرسیون مرحله‌ای پیش‌بینی‌کننده‌های مستقل درجه‌بندی رفتار بوسیله دانش‌آموزان پسر در موقعیت رفتار با همسالان (n = ۳۱۳)

مرحله اول		پیش‌بینی‌کننده‌ها
p	ضریب استاندارد	
۰/۰۲	۰/۱۲	تحصیلات مادر
	۵/۲۱	F
	۰/۰۲	P
	۰/۱۳	R
	۰/۰۲	RP ^۲

○ نتایج بررسی متغیرهای شغل پدر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، اندازه خانواده و جدائی از پدر یا مادر بر میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان پسر «در موقعیت رفتار با همسالان»

از نظر خودشان در جدول ۵ ارائه شده است. همانگونه که در این جدول نیز ملاحظه می‌گردد تنها تحصیلات مادر بهترین پیش‌بینی‌کننده میزان مشکلات رفتاری در موقعیت رفتار با همسالان برای پسران (با ضرایب استاندارد ۰/۱۲ و $p < ۰/۰۲$) بوده است و این متغیر تنها ۲ درصد از واریانس میزان مشکلات رفتاری را تبیین می‌نماید.

● بحث و نتیجه‌گیری

□ پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با توجه به متغیرهای مستقل تحقیق برای پسران و دختران دو الگوی نسبتاً متفاوت را بدست داد. در گروه دختران در موقعیت خانه، تنها متغیر، اندازه خانواده بود که بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بود. در موقعیت مدرسه، در گروه دختران، به ترتیب اندازه خانواده، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بودند. در موقعیت رفتار با همسالان هیچکدام متغیرهای مستقل نتوانست میزان مشکلات رفتاری دختران را پیش‌بینی نماید.

□ در گروه پسران در موقعیت خانه به ترتیب اندازه خانواده و تحصیلات مادر بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بودند. در حالیکه در موقعیت مدرسه به ترتیب تحصیلات مادر و شغل پدر برای پسران بهترین پیش‌بینی‌کننده مشکلات رفتاری بودند. در موقعیت رفتار با همسالان تنها متغیر پیش‌بینی‌کننده میزان مشکلات رفتاری پسران، تحصیلات مادر بود. نتیجه جالب توجه در گروه پسران این است که در هر سه موقعیت (خانه، مدرسه و همسالان) تحصیلات مادر نقش عمده‌ای را در پیش‌بینی میزان مشکلات رفتاری داشت. در مجموع می‌توان خلاصه نمود که شاغل بودن یا نبودن مادر و جدائی از پدر یا مادر هیچکدام نقش تعیین‌کننده‌ای جهت میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان نداشت.

□ رشدزبانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان از تعاملات با والدین آنها شکل می‌گیرد. تعاملات با والدین باعث الگو قرار گرفتن آنها بوسیله کودکان خود می‌شود و والدین با تقویت و تنبیه رفتار کودکان خود باعث شکل دهی جنبه‌های مختلف رشد در آنها می‌گردند. کنترل رفتار کودکان بوسیله والدین امری اجتناب‌ناپذیر است. کنترل رفتاری که بر مبنای زور، تهدید یا تنبیه بدنی قرار گرفته باشد، بنظر می‌رسد که در کنترل و شکل دهی رفتار کودکان نه تنها تأثیری ندارد، بلکه ممکن است مسائل رفتاری کودکان را چند برابر نماید. برعکس، کنترل رفتاری که بر مبنای منطق، توضیح و درک و فهم استوار باشد در شکل دهی رفتار کودکان اثربخش است (بامریند،

۱۹۷۸، برونفبرنر، ۱۹۷۹، رولیتز و توماس، ۱۹۷۹). بهرحال، بروز مشکلات رفتاری در کودکان عواقب مخرب متعددی را به همراه دارد. از جمله عواقب آن شاید تنبیه فیزیکی یا بدنی بوسیله والدین، همسالان، و دیگر افراد بزرگسال است. شواهد مربوط به منابع متعدد از جمله معلمان، مراقبین کودک و آزمونهای استاندارد شده نشان داده‌اند که مشکلات رفتاری کودکان، بدرفتاری با آنها را همراه دارد و بدرفتاری با آنها، اثرات سوئی هم بر رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و هم رفتار مدرسه‌ای آنان دارد. بطور مثال، در یک بررسی که از ۸۴۰ کودک (از سن مهدکودک تا پایه ۱۲) بعمل آمد، نتایج نشان داد که کودکانی که مشکلات رفتاری داشتند و با آنها بدرفتاری شده بود بر روی آزمونهای استاندارد شده پیشرفت تحصیلی و آزمونهای آموزشی که در مدرسه از آنها بعمل می‌آمد، نمرات پایین‌تری، نسبت به همکلاسان هم تراز خود که با آنها بدرفتاری نشده بود، بدست می‌آوردند (ایکنرود، لارد و دوریس، ۱۹۹۳). همچنین گزارشهای معلمان نشان داده است که کودکانی که با آنها بدرفتاری شده است نه تنها نقصان هائی در عملکرد شناختی را تجربه می‌کنند، بلکه رفتارهای نابهنجار بیشتری را، نسبت به کودکان هم تراز خود، نشان می‌دهند (ریوم، ۱۹۹۵). گزارش معلمان همچنین نشان داده است که کودکانی که با آنها بدرفتاری شده است، مشکلات بیشتری را با همکلاسان خود دارند، کمتر کفایت اجتماعی از خود نشان می‌دهند، رفتارهای غیرقابل کنترل و پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند و همکلاسان آنها از لحاظ اجتماعی آنها را طرد می‌کنند (روگوش، سیسچتی و آبر، ۱۹۹۵).

□ مشکلات رفتاری کودکان فرآیندی است که قبل از وارد شدن کودک به محیط مدرسه شروع می‌شود. محیط اولیه کودک، کیفیت مراقبت و پرورش او، پیش‌بینی کننده بسیار قوی‌ای برای مشکلات رفتاری او است. روانشناسان تربیتی، روانشناسان کودکان استثنائی و روانشناسان مدرسه و دیگر متخصصین تعلیم و تربیت باید ترغیب شوند تا برنامه‌های پیشگیری و بازپروری مناسب جهت کودکان با مشکلات رفتاری، والدین آنها و معلمان آنها فراهم نمایند تا بر راهبردهای پیشرفت آنها در زمینه‌های مختلف و فرآیند رشدی اینگونه کودکان تأثیر بگذارند. بهرحال جلوگیری از عوامل خطرآفرین و بالابردن سطح آگاهی‌های والدین و معلمان در اهمیت دوران طفولیت و اوائل کودکی، نتایج زیان‌آوری که کودکان را در سنین مدرسه تهدید می‌کند کاهش می‌دهد.

یادداشت‌ها

- | | |
|----------------------------------|----------------------|
| 1- Family background | 2- Behavior problems |
| 3- Sex | 4- Peer |
| 5- Behavior Rating Profile Scale | 6- Reliability |
| 7- Validity | |

منابع

- البرزی، شهلا، خیر، محمد. (۱۳۷۹). انطباق و هنجاریابی پرسشنامه نیم‌رخ درجه‌بندی رفتار BRP جهت کودکان شیرازی، گزارش نهایی طرح پژوهشی مصوب دانشگاه شیراز.
- خیر، محمد (۱۳۶۵). رابطه شکست تحصیلی با زمینه‌ها و شرایط خانوادگی، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره ۲.
- خیر، محمد (۱۳۷۶). بررسی رابطه برخی از شاخصهای طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر سال اول نظام جدید. مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز. دوره دوازدهم، شماره ۲.
- خیر، محمد، البرزی، شهلا (۱۳۸۰). انطباق و هنجاریابی پرسشنامه نیم‌رخ درجه‌بندی رفتار (BRP) جهت کودکان شیرازی، ارائه شده در نخستین همایش یافته‌های پژوهشی در آموزش و پرورش استثنائی شیراز.
- Bank, L. (1993). Parenting practices of single mothers: Mediators of negatie contextual factors. *Journal of Marriage and Family*, 55, 371-384.
- Baumrind, D. (1978). Parental disciplinary patterns and social competence in children. *Youth and Society*, 9, 239-276.
- Bronfenbrenner, U. (1979). *The ecology of development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Brown, L. L. & Hamill, E. E. (1978). *Behavior rating profile. An ecological approach to behavioral assessment*, PRO-ED, Austin, Texas, USA.
- Carmicheal, K. D. (1993). *Birth order and maladaptive behavior in school-aged children*. Eric. No. Ed 323478.
- Cooney, T. M. & Kurz, J. (1996). Mental health outcomes following recent parental divorce: Case of young adult offspring. *Journal of Family*, 17, 495-513.

- Eamon, M. K. (2001). Antecedents and socioemotional consequences of physical punishment on children in two-parent families. *Child Abuse & Neglect, 6*, 787-802.
- Eckenrode, J.; Laird, M. & Doris, J. (1993). School performance and disciplinary problems among abused and neglected children. *Development Psychology, 29*, 53-62.
- Hagan, J. & McCarthy, B. (1997). *Mean Streets: Youth crime and Homelessness*. New York: Cambridge University Press.
- Hagan, J. ; McMillan, R. & Wheaton, B. (1996). The life course effects of family migration on children. *American Sociological Review, 61*, 347-367.
- Hallenbeck, B. & Kauffman, J. M. (1995). How does observational learning affect the behavior of students with emotional or behavioral disorders. A review of research. *The Journal of Special Education, 29*, 45-71.
- Hetherington, E. M.; Cox, M. & Cox, R. (1978). The aftermath of divorce. In J. J. Stevens, Jr. and M. Matthews eds. *Mother-child, father-child relationship*. National Association for the education of young children, Washington DC.
- Jimerson, S. ; Egeland, B. ; Sroufe, A. & Carlson, B. (2000). A prospective longitudinal study of high school dropouts examining multiple predictors across development. *Journal of School Psychology, 38*, 525-549.
- Kauffman, J. M. (1993). *Characteristic of emotional and behavioral disorders of children and youth*, Maxwell, McMillan, Canada, Inc.
- Lingxin, H. & Matsueda, R. L. (1997). Family dynamics through childhood: A sibling model of behavior problems. *Paper presented at the annual meetings of the American Sociological Association*, Toronto, Canada, August 5-8.
- Matsueda, R. L. & Heimer, K. (1987). Race, family structure, and delinquency: A test of differential association and social control theories. *American Sociological Review, 52*, 826-840.
- McDermott, A. (1995). Sex, race, class, and other demographics as explanations for children's ability and adjustment: A national appraisal. *Journal of School Psychology, 33*, 75-91.

- McLeod, J. D. & Shanahan, M. J. (1993). Poverty, parenting, and children's mental health. *American Sociological Review*, 58, 351-366.
- Parcel, T. L. & Menagham, E. G. (1988). *Measuring behavioral problem in large cross sectional survey: Reliability and validity for children of the NLS youth*. Manuscript. The Ohio state University.
- Reyome, N. D. (1994). Teacher ratings of the achievement related classroom behaviors of maltreated and non-maltreated children. *Psychology in the School*, 3, 253-260.
- Rogosch, F. A. ; Cicchetti, D. & Aber, J. L. (1995). The role of child maltreatment in early deviations of cognitive and affecting processing abilities and later peer relationship problems. *Development and Psychology*, 7, 511-609.
- Rollins, B. & Thomas, D. (1979). Parental support, power and control techniques in the socialization of children. *In contemporary theories about the family: Research based theories*, edited by W. Burr, R. Hill. New York: Free Press.
- Sampson. R. J. (1987). Urban Black Violence: The effect of male joblessness and family destruction. *American Journal of Sociology*, 93, 348-382.
- Sampson, R. J. & Laub, J. H. (1993). *Crime in making: pathways and turning points through life*, Cambridge: Harvard University Press.
- Straus, M. A. (1991). Discipline and deviance: physical punishment of children and violence and other crime in adulthood. *Social Problems*, 38, 133-154.
- Wu, L. L. & Martinson, B. C. (1993). Family structure and the risk of a premarital birth. *American Sociological Review*, 58, 210-232.
- Wallerstein, J. S. & Kelly, J. B. (1980). *Surviving the break up: How children and parents cope with divorce*. New York: Basic Books.
- Yesseldyke, E. J. & Algozzine, B. (1990). *Introduction to special education*. Boston: Houghton, Mifflin Co.